

## کارکردِ صورخیال «هنجارگریزی معنایی» در ساختار غزل نو با تکیه بر دفتر منجنیق از حسین صفا در تطبیق با فرمالیسم در نقاشی معاصر

### چکیده

شاعران با کاربست تکنیک‌های گوناگون در مفاهیم ثابت و واحد، نوآوری ایجاد می‌کنند و کلام خود را از زبان روزمره و عادی فاصله می‌دهند. این مهم باعث اقناع حس زیبایی‌شناسی مخاطب و سهولت در فرآیند انتقال مفاهیم واحد به مخاطبان می‌شود و در نقد فرمالیستی مورد توجه قرار گرفته است. هنجارگریزی به‌ویژه نوع معنایی آن، از جمله روش‌های اصلی اهل ادب برای دور کردن کلام از ابتذال و عادت‌های زبانی معمول است. حسین صفا از شاعران برجسته در دوران معاصر، در مجموعه منجنیق با هنجارگریزی‌های هدفمند و آگاهانه در سطح معنا، مانع ابتذال کلامی شده و شعری درخور خلق کرده است. به این اعتبار، در پژوهش حاضر با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، اصلی‌ترین شگردهای تمایزگذار شاعر برای گریز از قواعد و مناسبات متعارف زبان روزمره در مجموعه منجنیق، با رویکرد به صورخیال «تشبیه، تشخیص و کنایه» بررسی و کاویده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شاعر به کمک تشبیه، با ایجاد بی‌ثباتی آگاهانه در معنای دال‌ها بر پویایی نشانه‌های زبانی در اشعار خویش افزوده و خط‌مشی ادبی مستقل خود را ترسیم کرده است. همچنین، به واسطه کاربست تشخیص، مدلول‌های ارجاعی و صریح واژه‌ها بی‌اعتبار شده و مدلول‌های ادبی جدیدی جایگزین گردیده است. افزون بر این، حسین صفا در مواردی با ایجاد تغییر در کنایه‌های زودیاب، باعث تقویت نقش مخاطب در خوانش متن و جایگاه او در فرآیند کشف روابط هنجارگریز شده است. در نقاشی معاصر نیز گرایش به فرمالیسم نوعی گریز از هنجارهای موجود در نقاشی سنتی ایرانی در توجه به مضمون و معنا محسوب می‌شود.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی شاخصه‌های هنجارگریزی معنایی در مجموعه غزل‌های منجنیق.
۲. بررسی فرمالیته در نقاشی معاصر و تفاوت آن با هنجارگریزی معنایی در شعر.

### سؤالات پژوهش:

۱. شاخصه‌های هنجارگریزی معنایی در مجموعه منجنیق چیست؟
۲. فرمالیته در نقاشی معاصر با هنجارگریزی معنایی در شعر چه تفاوتی دارد؟

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر، حسین صفا، منجنیق، فرمالیسم، صورخیال.

## مقدمه

در گستره ادبیات، ثبوت تقریبی معانی و مضامین باعث می‌شود که شاعر برای جلوگیری از ابتذال در گفتار، به دنبال شیوه‌ها و شگردهایی جهت بازنمایی معانی ثابت در موقعیت‌های جدید و نوآورانه باشد تا از این طریق، ضمن اقلان حس زیبایی‌شناسی مخاطب خود، معانی انسان‌ساز را به او انتقال دهد و فرآیند ارتباط‌گیری شنونده با متن تولیدی را تقویت نماید. «زبان هنجار به مجموعه اصول و قواعد تعریف‌شده در دستور هر زبانی گفته می‌شود که در گفتار عادی، مکالمه‌های روزمره و زبان علمی کاربرد دارد و هدف از آن، برقراری ارتباط با مخاطب و انتقال پیام به وی است» (علوی‌مقدم، ۱۳۷۷: ۶۶). اگرچه هنجارهای حاکم بر زبان و ادبیات زمینه‌های لازم را برای تشریح مقولات مختلف فراهم می‌کند، اما کاربست بدون تغییر آن برای بازنمایی مفاهیم ثابت، منجر به گرفتار آمدن خالق اثر در دام ابتذال و تکرار می‌شود و نتیجه‌ای جز سآمت در مخاطب و فاصله‌گیری او از متن به همراه ندارد. در نقد فرمالیستی که از دهه دوم قرن بیستم آغاز شده و با آراء شخصیت‌های برجسته‌ای چون: بوریس آیخن‌بام<sup>۱</sup>، ویکتور شکلوفسکی<sup>۲</sup>، رومن یاکوبسن<sup>۳</sup> و جفری لیچ<sup>۴</sup> گسترش پیدا کرده است، شگردهای اهل ادب برای بازنمایی فراهنجاری معانی بررسی شده است. اهمیت این مقوله به اندازه‌ای است که یکی از اصول محوری فرمالیسم، هنجارگریزی در نظر گرفته می‌شود. آن‌ها شگردها و تکنیک‌های متنوعی را که خالق اثر ادبی برای بازنمایی نکته‌ای واحد در جلوه‌های گوناگون به کار می‌گیرد و جریان عدول از هنجارهای معمول را تقویت می‌کند، دسته‌بندی و مدون کرده‌اند. از دید فرمالیست‌ها زمانی که الگوها و ساختارهای زبانی و بیانی مألوف و پذیرفته‌شده بین خالق اثر و مخاطب تغییر پیدا کنند، معانی تبیین‌شده در اثر جذابیت می‌یابد. در نگاهی دیگر، «هنجارگریزی در صورتی قابل قبول خواهد بود که غایتمند، جهت‌دار و نقش‌مند باشد» (صفوی، ۱۳۷۳: ۵۱) و موجب تقویت زمینه‌های زیبایی‌شناسی متن تولیدی شود.

هنجارگریزی یکی از اصطلاحات رایج در زبان‌شناسی است و برای تحلیل متون ادبی به‌ویژه آثار منظوم به کار می‌رود. شعر ابزاری است که شاعر از طریق آن، اهداف خود را با زبانی دور از زبان روزمره و عادی بازگو می‌کند تا نگاه مخاطب را به خود جلب کند. «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت، گوینده شعر با شعر خود، عملی در زبان انجام می‌دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی تمایز احساس می‌کند ... شعر

---

<sup>۱</sup> Boris Eichenbaum

<sup>۲</sup> Victor Shklovsky

<sup>۳</sup> Roman Jakobson

<sup>۴</sup> Jefri Leech

ابدی شعری است که علت تمایز آن از زبان مبتدل و معمول در تمام ساحات، قابل تحلیل نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۳). بر این اساس، می‌توان نموده‌های هنجارگریزی را در شعر مشاهده کرد و با بررسی آن در آثار منظوم به سبک شخصی شاعر پی برد و جهان‌بینی و ساختار فکری او را مورد بررسی قرار داد.

حسین صفا از جمله شاعران برجسته در دوران معاصر است. او در ۳۰ آذر ماه ۱۳۵۹ در تهران متولد شده است و اصلتی آذری دارد. عموی صفا، در حوزه شعر و ترانه فعالیت‌هایی داشته است. به این اعتبار، او نیز، به شعر علاقه‌مند شده است. بیشتر اشعار صفا در قالب‌های غزل و شعر سپید سروده شده و محتوایی سیاسی، دینی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، غنایی و ... دارد. او نگرش ادیبانه خود را در یک موضوع صرف، خلاصه نکرده و چندسونگری در سروده‌هایش مشهود است. نخستین مجموعه شعری صفا با عنوان کنار پله تاریخ و چند غزل برای زخم در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است که شامل همه اشعار او (غزلیات و یک مثنوی) از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۷ بوده است. مدتی بعد، مجموعه دوم شعری او با عنوان وصیت و صبحانه و با حال و هوای مجموعه نخست، مجوز انتشار پیدا کرده است. پس از این، صفا در مجموعه من کم‌تحملم به بازنمایی ترانه‌ها و شعرهایی مبتنی بر بیان محاوره‌ای پرداخته، که این امر را می‌توان تجربه‌ای متفاوت دانست. در سال‌های بعد، او سه مجموعه شعر سپید و غزل با نام‌های صدای راه‌پله می‌آید (۱۳۹۳)، نرگس و منجنیق (۱۳۹۶) را منتشر نموده است. یکی از ویژگی‌های برجسته‌ای که در اشعار صفا دیده می‌شود، آگاهی او نسبت به ادبیات فارسی کلاسیک و معاصر است. این امر باعث شده است نشانه‌هایی بینامتنی از ادبیات گذشته و معاصر در مجموعه‌های شعری وی نمودار شود، که منجر به پیدایی فضایی جدید و جذاب شده است. اگرچه سیاق نویسندگی بی‌هقی و شیوه شاعری عبید زاکانی، نیما یوشیج، اخوان ثالث، رضا براهنی و یدالله رؤیایی در اشعار وی دیده می‌شود، ولی تأثیرپذیری اصلی او از شعر احمد رضا احمدی، شاعر موج نو و حسین منزوی، غزل‌سرای معاصر بوده است. او بسیاری از تمهیدات ادبی را در اشعار خود به کار گرفته و زبان شعری خویش را از روزمرگی‌ها دور کرده و مفاهیم و معانی واحد و شنیده‌شده را با جلوه‌های متنوع با مخاطبان به اشتراک گذاشته است. از این‌رو، شاعر برای ایجاد این پیوندهای فرهنگی از زبان ویژه و برجسته‌ای بهره برده است. او با عدول آگاهانه و هدفمند از قواعد زبانی، بر ادبیت کلام خویش افزوده و آن را در نگاه مخاطب برجسته‌تر کرده است. صفا به‌واسطه کاربست هنجارگریزی‌های جهت‌دار و سوبه‌مند، نوعی حس التذاذ در مخاطبان ایجاد کرده و فضای شعری خود را بستری مطلوب برای بازنمایی معانی گوناگون قرار داده است. در یکی از آثار برجسته او به نام مجموعه‌غزل‌های منجنیق، مؤلفه‌های هنجارگریزی به‌صورت یک جریان سیال ملاحظه می‌شود. به این اعتبار، هدف و مسئله اصلی در این پژوهش، تشخیص عوامل تمایزگذار میان زبان شعری و زبان روزمره حسین صفا در اثر مذکور، از دریچه نقد فرمالیستی است.

تاکنون در هیچ پژوهشی آثار منظوم حسین صفا از جمله مجموعه‌غزل‌های منجنیق از دریچه نقد فرمالیستی، خاصه هنجارگریزی معنایی بررسی و کاویده نشده است. این درحالی است که سروده‌های او در دهه اخیر با استقبال جامعه ادبی و هنری (موسیقی) ایرن و نیز، توده مردم مواجه شده است. پژوهش حاضر برای نخستین بار به این

موضوع می‌پردازد و دستاوردهای آن، ابعاد جدیدی از سبک شاعری صفا را بازنمایی می‌کند و تاحدی دلایل محبوبیت اشعار او در میان لایه‌های گوناگون جامعه را مورد بررسی و کاوش قرار می‌دهد. تینا نیکنام و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان: «هنجارگریزی معنایی اصل بنیادین ارتباطات زیبایی‌شناسی در اشعار رهی معیری و مهرداد اوستا با هنر معاصر براساس نظریه لیچ» انجام دادند. در این پژوهش با مرور مفاهیم مربوط به اهمیت فرمالیست‌های روسی و تقسیم‌بندی لیچ به بررسی جلوه‌های مختلف هنجارگریزی در اشعار رهی معیری و مهرداد اوستا و هنر معاصر پرداخته شده است. رسالت این پژوهش در به‌کارگیری یافته‌های علم زبان‌شناسی و معرفی دلایل علمی برای جذابیت و ماندگاری آثار مورد بررسی و شناخت بیشتر شاعران معاصر و التذاذ بهتر از شعر آن‌ها و ایجاد زمینه الزم برای تحقیقات و پژوهش‌های بیشتر در این حوزه، برای محققین و دانشجویان علاقه‌مند، اهمیت پژوهش حاضر را دوچندان کرده است. غلام‌عباس نفسی و همکاران، (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان: «تأثیر مضامین غزلیات حافظ بر استعاره‌های تصویری اشعار هوشنگ ابتهاج (با تأکید بر نسخه مصور حافظ مرکز بین‌المللی میکرو فیلم نور) با تکیه بر نسخه مصور حافظ در مرکز بین‌المللی میکرو فیلم نور، تأثیرگذاری عمیق حافظ بر مضامینی است که هوشنگ ابتهاج برای شعر خود برگزیده است را بررسی کرده‌اند. کریمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان: «عناصر طبیعی و بصری در غزلیات بیدل دهلوی»، به بررسی قلمرو این عقاید و باورهای جذاب و ابعاد و مصادیق عناصر ادب عامه در دیوان بیدل پردازند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که بیدل دهلوی با توانایی و مهارت‌های علمی، مذهبی و اجتماعی خود، عناصر فولکلوریک و عقاید عامه را در قالب صورخیال در غزلیاتش به کار بسته و در عین حالی که ریشه و بافت این صور بلاغی را از زبان مردم و فرهنگ مردم گرفته است و به سروده‌های خود در قالب آفرینش‌های بلاغی و هنرنمایی‌های ادبی، رنگ و صبغه باورمند بخشیده است و تا حدی که ادب عامه را مورد قبول محققان قرار می‌دهد تا بتوان از آن خاستگاه‌های فکری شاعر را بازشناخت.

این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده و جامعه آماری آن، مجموعه غزل‌های منجنيق است. ساختار کلی مقاله به این صورت است که ابتدا به تعاریف مرتبط با نقد فرمالیستی و هنجارگریزی (معنایی) پرداخته می‌شود. سپس در بخش اصلی پژوهش، نمونه‌های اصلی هنجارگریزی معنایی ذیل سه عنوان «تشبیه»، «تشخیص» و «کنایه» مورد بررسی قرار می‌گیرد. دلیل گزینش این صنایع ادبی، استفاده آگاهانه حسین صفا از این عناصر، اثرگذاری مستقیم بر جریان غزل‌سرایی شاعر و عدم تکیه صرف او بر ظرفیت‌های زیبایی‌شناسانه آن است.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش، هنجارگریزی‌های حسین صفا در مجموعه منجنيق و اغراض او از کاربست این شگرد در سطح هنجارگریزی معنایی کاویده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شاعر با ایجاد مدلول‌های جدید برای دال‌ها، ثبات و یک‌دستی زبان معیار را درهم شکسته و دال‌ها را به مدلول‌های ثابت و مشخصی مقید نکرده است. نقطه

برجسته‌های هنجارگریزی‌های شاعر آنجاست که ضمن تقویت ابعاد زیبایی‌شناسی اشعارش، بسترهای لازم را برای انتقال ساده‌تر معانی به مخاطب و برانگیختن عواطف او در جهت‌ی که تمایل دارد، فراهم کرده است.

استفاده از صنایع معنوی به‌ویژه تشبیه، تشخیص و کنایه در این مجموعه نشانه‌های زبانی را از حالت ایستا خارج کرده و بدان جنبه‌ای پویا بخشیده است. او از روی آگاهی سعی کرده است فرآیند ادراک مخاطب از متن تولیدی را طولانی‌تر کند تا با تحت‌تأثیر قراردادن مخاطب، کلام خود را تبیین نماید. اگرچه حسین صفا قواعد زبانی را به‌کار می‌گیرد، اما به این مقدار بسنده نمی‌کند و با فرآوری‌هایی که در سطح ظاهری و معنایی انجام می‌دهد، نظام‌های نشانه‌ای جدیدی را تبیین می‌کند که چهارچوب‌های زبانی ویژه خود را دارد. او سعی کرده است در مجموعه منجیق، به‌صورت پیدا و پنهان، آن شاعرانه خود را بازتاب دهد و صدای ادبی پویا و مستقل خود را به گوش مخاطب برساند و جریان خطی نوآورانه و خیال‌انگیزی را در روایت و خوانش خود از انسان و مناسبات پیش‌روی او ایجاد کند.

در بحث هنجارگریزی معنایی، تشبیه‌های به‌کار رفته در مجموعه منجیق دارای مدلول‌های متنوعی برای دال‌های مشخص هستند. به این اعتبار، ایجاد بی‌ثباتی آگاهانه در معنای دال‌ها در ایجاد حس التذاذ و تبیین اغراض مورد نظر شاعر همچون وصف شخصیت‌های انسانی و غیرانسانی و موقعیت‌هایی که در آن قرار گرفته‌اند، اثرگذار بوده است. تشخیص‌های مجموعه منجیق با لایه‌های فکری حسین صفا در هماهنگی کامل هستند. شاعر به‌واسطه کاربست این صور خیالی، از مدلول‌های ارجاعی و صریح واژه‌ها چشم‌پوشی کرده و مدلول‌هایی ادبی را جایگزین نموده است. برآیند این تغییر، فاصله‌گیری از زبان معیار و روزمره مخاطب، ایجاد پویایی در نشانه‌های زبانی و پدیدآوری خلاقیت ادبی در منظومه بوده است. کنایه در هنجارگریزی‌های صفا در اثر مذکور، نسبت به تشبیه و تشخیص از اثرگذاری کم‌تری برخوردار بوده است؛ زیرا شاعر غالباً از کنایه‌های زودیب استفاده کرده و فرآیند کشف و تبیین‌سازی روابط هنجارگریز در این صنعت ادبی، برای مخاطبان تا اندازه‌ای کاهش پیدا کرده است. او از کنایه برای تبیین عواطف درونی شخصیت‌های روایت خود بهره برده است. البته می‌توان نشانه‌هایی از کنایه‌های پیچیده را هم مشاهده کرد که سابقه چندان‌ی در گستره ادب فارسی ندارند و برای مخاطب، چندان آشنا نیستند. در نقاشی معاصر نیز گرایش به فرمالیسم نوعی گریز از هنجارهای موجود در نقاشی سنتی ایرانی در توجه به مضمون و معنا محسوب می‌شود.

## منابع و مآخذ:

- احمدی، بابک. (۱۳۸۶). ساختار و تأویل متن. چاپ نهم، تهران: مرکز.
- ثروتیان، بهروز. (۱۳۶۹). بیان در شعر فارسی. تهران: برگ.
- زرین ترنج، پروانه. (۱۳۹۲). «کارکرد و اهمیت فرم در نقاشی معاصر ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری، تهران.
- جمالی، مریم. (۱۳۹۴). «مقدمه‌ای بر مفهوم فرم و فرمالیسم در هنر مدرن». فلسفه تحلیلی، دوره ۱۱، شماره ۲۸، ۵-۳۳.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۷۸). «درآمدی بر نشانه‌شناسی در شعر فارسی». مجله فرهنگ توسعه، شماره ۳۹، ۱۴۰-۱۳۵.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۶). رستاخیز کلمات. تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۸). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). بیان. چاپ سوم، تهران: میترا.
- صفا، حسین. (۱۳۹۹). منجیق. چاپ دهم، تهران: نیماژ.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۳). از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: سوره مهر.
- ضرونی، قدرت‌اله. (۱۳۹۹). «زنانگی در غزل، تأملی در ویژگی‌ها و شاخصه‌های غزل زنانه معاصر». ادبیات پارسی معاصر، شماره ۱، ۱۷۵-۱۲۰.
- علوی مقدم، مهیار. (۱۳۷۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. تهران: نشر لیلی.
- کریمی‌نیا، مرتضی؛ جمالی، شهروز و مرادی، سیاوش. (۱۳۹۸). «عناصر طبیعی و بصری در غزلیات بیدل دهلوی». مطالعات هنر اسلامی. شماره ۳۶، ۲۹۶-۱۷۹.
- محمدی، علی؛ بشیری، علی اصغر. (۱۳۹۹). «غزل نو و پیش زمینه‌های آن». پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۱۸، ۱۴۴-۱۲۱.
- مدرسی، فاطمه؛ کاظم‌زاده، رقیه. (۱۳۸۸). «تصویر و شیوه‌های توصیف در غزل نو (با تکیه بر اشعار سیمین بهبهانی)». حسین منزوی و محمدعلی بهمنی. بهارستان سخن (ادبیات فارسی)، شماره ۱۴، ۴۶-۲۳.
- مقدادی، بهرام. (۱۳۸۳). «هنجارگریزی در هنر و ادبیات». مجله کلک، شماره ۱۴۸، ۵۴-۵۲.

مکاریک، ایرناریمما. (۱۳۸۵). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجرپور و محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: آگه.

نفیسی، غلام عباس؛ داوودآبادی، محمدعلی و سرور یعقوبی، علی. (۱۴۰۰). «تأثیر مضامین غزلیات حافظ بر استعاره‌های تصویری اشعار هوشنگ ابتهاج (با تأکید بر نسخه مصور حافظ مرکز بین‌المللی میکرو فیلم نور). مطالعات هنر اسلام، شماره ۴۲، ۴۲۶-۴۰۶.

نیکنام، تینا؛ زواریان، راضیه و رمضان، مهناز. (۱۴۰۱). «هنجارگریزی معنایی اصل بنیادین ارتباطات زیبایی‌شناسی در اشعار رهی معیری و مهرداد اوستا با هنر معاصر براساس نظریه لیچ». مطالعات هنر اسلامی. شماره ۴۵، ۶۳۵-۶۱۸.

نورایی، الیاس. (۱۳۹۱). جادوی بیان در رنگین‌کمان سخن. چاپ دوم، تهران: یار دانش.

هاوکس، ترنس. (۱۳۸۰). استعاره. ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما.